

دیدگاه‌های طالبان تغییر نکند عرصه بر افغان‌ها تنگ می‌شود/ دوربین‌ها را نمادین اعدام کردند/ در روزگاری نه چندان دور فیلم‌ها به آتش کشیده شد

دیدگاه‌های طالبان تغییر نکند عرصه بر افغان‌ها تنگ می‌شود

افغانستان بار دیگر کانون اخبار جهان شده است. قدرت گرفتن طالبان در این کشور سبب بروز نگرانی‌هایی در عرصه جهان در قبال مردم این خطه شده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، طالبان بار دیگر بر افغانستان مسلط شد؛ خبری که با واکنش‌های بسیاری در داخل و خارج از کشور همراه بود. ترس و واکنش‌های بسیاری وجود دارد تا بسیاری از مولفه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیشتر از هر دوره دیگری با تهدید به سانسور، ممنوعیت، محدودیت و حذف روبرو شوند.

تجربه نشان داده که طالبان در مناطق تحت کنترل خود، قوانین سختگیرانه‌ای را اجرا می‌کند که به ادعای سران این گروه، تمامی ریشه‌ای از شریعت اسلامی دارند. زنان در اندیشه این گروه هیچ جایگاهی ندارند و از بسیاری فعالیت‌های اجتماعی محروم هستند. محدودیت‌ها در پیش‌پا افتاده‌ترین مسائل زندگی روزانه بروز پیدا کرد، زنان اجازه خروج از خانه بدون یک نفر از اعضای مرد خانواده خود را نداشتند. تلویزیون، تئاتر، موسیقی و عکاسی نیز بر اساس قوانین این گروه حرام اعلام شدند و مردم با شدیدترین مجازات همچون سنگسار روبرو می‌شدند. اگرچه این گروه در بیانیه‌های خود اعلام کرده‌اند که به حقوق زنان احترام خواهند گذاشت و دیگری نیازی به همراهی یک مرد برای خروج از خانه ندارند و از حق آموزش برخوردار هستند اما عملکرد و پیشنهاد اقدامات آن‌ها سبب نگرانی مردم و حامیان حقوق بشر شده است.

اگر دیدگاه‌های طالبان تغییر نکند، عرصه بر مردم تنگ می‌شود

نوید محمودی (کارگردان و فیلمنامه‌نویس) درباره پیشروی‌های طالبان می‌گوید: هفته گذشته، حادثی در افغانستان اتفاق افتاد که به تبع آن شرایط خوبی ندارم. اگرچه نزدیک چهل سال از عمر خود را در ایران سپری کرده‌ام اما در آن کشور متولد شده‌ام. من نسبت به حوادث و رویدادهای این خطه حساس هستم، امیدوارم روزی برسد که مردم در صلح و آرامش زندگی کنند.

برخی از کارشناسان سیاسی معتقدند، به طور قطع، طالبان را می‌توان برنده بلامنازع صلح ایالات متحده و این گروه دانست. صلحی که سبب شد تا این گروه بدون کوچک‌ترین مقاومتی بر افغانستان مسلط شود. آنچه که در حال وقوع است، پیامدهای متعددی نه تنها در عرصه بین‌المللی بلکه در سیاست‌های داخلی این کشور به ارمغان خواهد آورد. به عبارت دیگر می‌توان گفت نمی‌توان وضعیت مردمان این کشور را روشن دانست بلکه این حوادث آینده‌ای مبهم برای افغان‌ها ترسیم کرده است.

کارگردان «شکستن همزمان بیست استخوان» معتقد است؛ اگر طالبان همان تفکرات قدیم خود را داشته باشد به طور قطع، روزگار نامرادی بر مردم خواهد گذشت و به سوی قطع رابطه با جهان کشیده خواهند شد. به گفته وی، شرایط زنان نیز سخت خواهد شد. اگر آنچه که بر زبان آورده‌اند را اجرا کنند می‌توان به آینده امیدوار بود و آن‌ها را در کنار مردم دانست.

او ادامه داد: اگر دیدگاه‌های طالبان تغییر نکرده باشد، به طور قطع افغانستان درگیر جنگ‌های داخلی درازمدت خواهد شد. گرچه من معتقدم، گروه‌های جهادی مردمی در شهرهای مختلف شکل خواهند گرفت تا با این گروه مبارزه کنند. تجربه نشان داده که جنگ داخلی سال‌ها طول خواهد کشید، طالبان سقوط خواهند کرد و از دل آتش و خاکستر، وضعیتی جدید به وجود می‌آید.

امیدهایی که به باد رفته است

پس از ورود نیروهای طالبان به کابل، یاس و ناامیدی در میان مردم افغانستان نمود بیشتری پیدا کرده است. مردمانی که فوج فوج ترک خانه می‌کنند و در آرزوی زندگی بهتر به کشورهای همسایه پناه می‌برند. اضطراب و ترس از آینده‌ای نامعلوم بر وا همه آن‌ها افزوده است.

محمودی توضیح می‌دهد: من در این ناامیدی کامل امیدوار هستم که طالبان از گذشته درس گرفته باشند و به این موضوع واقف باشند که برای حکومت در دنیای امروز باید مردم را از خود راضی نگه دارند تا بتوانند به حکومت خود در کنار مردم ادامه دهند.

اختلافات قومی، بزرگ‌ترین مشکل افغانستان است

اگرچه دولت‌های افغانستان تلاش کردند تا در مسیر توسعه سیاسی خود، مهم‌ترین مساله این کشور یعنی قوم‌گرایی را حل کنند اما به نتیجه مطلوبی نرسیدند. حضور قومیت‌های مختلف در این کشور عاملی مهم برای واگرایی در این سرزمین است و آن‌ها را گرفتار مشکلات متعددی کرده است.

قوم‌گرایی در برخی از آثار مکتوب نویسندگان این کشور مورد توجه قرار گرفته است. پژوهشگران عرصه جامعه‌شناسی ادبیات معتقدند، هر قصه و اثر ادبی، وقایع زمان خود را بازگو می‌کند و قصه در حقیقت، شکل بیان هنری همان وقایع اجتماعی است. بنابراین می‌توان رمان «بادبادک‌باز» اثر خالد حسینی را مصداقی از وضعیت جامعه افغانستان دانست. رمانی که روحیات، شرایط زندگی مردم، رفتارها و پدیده‌های اجتماعی، فراز و نشیب‌های این کشور را در سه دهه مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین ارجح دانستن «پشتون» ها بر «هزاره» ها در جای جای این کتاب به چشم می‌خورد.

تهیه‌کننده فیلم «چند متر مکعب عشق» در اینبار اظہار می‌کند: مسائل قومی، بزرگ‌ترین ضربه را به افغانستان وارد کرده و به تبعیت از آن، مسائل مذهبی تحت تاثیر قرار می‌گیرند. در چند ماه گذشته، شاهد حملاتی به مدارس دختران هزاره‌ای در کابل و دشت‌برچی بودیم. این مسائل، روشنگر مسیر ننگین گذشته است اما بازهم باید امیدوار باشیم که این مشکلات دیگر جایی در افغانستان نداشته باشند. امیدوارم، طالبان ۲۰۲۱ خود را منطبق با دنیای امروز ببینند.

محمودی ادامه می‌دهد: اتفاقات سه روز گذشته را از دوستان ساکن در افغانستان و رسانه‌ها پیگیری کردم. طالبان تمام تلاش خود را کرد تا به کابل برسد و به این مقصود دست یافت. شنیده‌ام در طول مسیر مثل گذشته با مردم رفتار نکرده‌اند، برای اینکه از رفتار آن‌ها آگاهی داشته باشیم باید صبور باشیم تا گذر زمان مسائل را روشن کند. این تغییر رفتار شاید به این دلیل باشد تا بر کشور مسلط شوند و سپس آنچه که از گذشته در ذهن دارند، بر مردم عرضه کنند.

اگر طالبان تغییر نکنند، دنیا در درد ما شریک باشد

به گفته این کارگردان؛ اگر طالبان همچون گذشته رفتار کنند، جهان باید برای درمان دردی که در به وجود آوردن آن شریک است، نقش داشته باشد. این امکان وجود داشت تا افغانستان به همین راحتی رها نشود. گفتگوی صلح دوحه برگزار شد، اگر تمامی مسائل مورد بررسی قرار می‌گرفت، طرفین به توافق جامع می‌رسیدند.

جوانان افغانستانی مقابل استبداد ایستادگی می‌کنند

نویسنده «مردن در آب مطهر» باور دارد؛ امروز و فردا، روزگار سرنوشت‌سازی است. اگر طالبان برگزاری انتخابات را بپذیرد یعنی تفاوت بزرگی در دیدگاه‌هایش صورت گرفته ولی اگر تصور کند که بر افغانستان و مردم مسلط است در عرصه بین‌الملل دچار مشکل خواهند شد.

محدودی اظهار می‌کند؛ در ۲۰ سال گذشته، افغانستان به زیرساخت‌های مناسبی دست یافت. همچنین فعالیت‌های مدنی، حضور زنان در جامعه، آمدن نشاط در زندگی مردم افزایش یافت. اگر یک جوان افغانی در زمان ساقط شدن که قدرت طالبان به دنیا آمده باشد، در حال حاضر ۲۰ سال دارد. جوانانی که در این سال‌ها به دنیا آمده‌اند و رشد کرده‌اند دیگر نمی‌توانند یک حکومت استبدادی را بپذیرند و با آن کنار بیایند.

شاید مرگ هنر و رسانه

پس از تسلط طالبان بر کابل و قوی‌تر شدن شکل‌گیری «امارت اسلامی»، هنرمندان خود را خطر می‌بینند. مخالفت‌های شدید احتمالی با اهالی هنر، مرگ هنر و هنرمند در این کشور را قریب‌الوقوع می‌کند. «خاشه زوان» کم‌دینی بود که در روستاهای قندهار دستگیر و تیرباران شد.

بر اساس پروتکل الحاقی سال ۱۹۷۷ به مقاوله‌نامه ژنو ۱۹۴۹، تخریب و آسیب‌رساندن به اماکن فرهنگی و مذهبی، جنایت جنگی قلمداد می‌شود. طالبان بارها در افغانستان مرتکب جنایت جنگی شده، نه تنها انسان‌های بی‌گناهی را به کام مرگ کشانده است بلکه در زمینه فرهنگ نیز نمود دارد.

از سال‌های نخست دهه ۹۰ میلادی تا ۲۰۰۱، طالبان حدود ۷۰ درصد از آثار موجود در موزه ملی افغانستان را نابود کرد یا آن را به یغما

برد. طالبان در زمان حاکمیت خود، آثار باستانی مثل پیکره‌های انسان یا حیوانات تکه تکه کردند، گویی ابراهیم وارد بتخانه شده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد، دوره افول سینمای افغانستان به دوره حاکمیت طالبان ختم می‌شود. دوره‌ای که افغانستان را «کشور بدون تصویر» خواندند و فیلم‌ها و دوربین‌ها نمادین اعدام شدند.

نه تنها اهالی هنر بلکه اصحاب رسانه نیز شرایط مساعدی ندارند. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران درباره خبرنگاران شاغل در افغانستان ابراز نگرانی کرد. ۱۲۰۰ خبرنگار در شرایط خطرناکی قرار دارند و احتمال مرگ در هر لحظه وجود دارد.

محمودی معتقد است؛ اگر طالبان به دنبال عمارت اسلامی مختص به خود باشند و تمامی روزنه‌های ارتباطی با جهان پیرامون خود را ببندند؛ به قطع، دیگر کوچک‌ترین اثری از هنر و اطلاع‌رسانی نخواهد ماند. به گفته وی، روزگار دوری نیست که طالبان آرشیو فیلم‌ها و آثار سینمایی را به آتش کشیدند. دور نیست روزگاری که عکس گرفتن حرام بود. اگر اقدامات گذشته را به طور موقت کنار بگذارند و پس از ثبات تمامی اندیشه‌ها و سیاست‌های خود را پیاده کنند، فرهنگ و اندیشه نابود می‌شود.

نویسنده و کارگردان سریال «سایه‌بان» ادامه می‌دهد: من تصور می‌کنم امکان بازگشت به آن روزگار وجود ندارد، شاید من بسیار خوش‌بین‌هستم. طالبان با سخت‌ترین سختگیری‌ها نمی‌توانند به روزگار خفقان و رعب‌آور خود بازگردند. این روزها یک گوشی تلفن حکم یک رسانه را دارد. اخبار و اطلاعاتی که در این روزها از افغانستان به دست ما رسیده به وسیله تلفن‌های شخصی ضبط شده است. تمامی افراد می‌توانند یک خبرنگار باشند و با جهان پیرامون خود ارتباط برقرار کنند. امیدوار هستم تا هنرمندان، اندیشمندان و خبرنگاران اجازه فعالیت داشته باشند؛ سرزمینی در جهان دیده خواهد شد که این گروه‌ها فرصت بیشتری برای عرض اندام داشته باشند. سرزمین‌هایی که در تاریکی مطلق مردمان خود را نگه می‌دارند، دیر یا زود از روزنه‌ای ولو کوچک نور بر مردمان آن خواهد تابید.

سینمای ایران و مردم افغانستان

علاوه بر موضوع این روزهای افغانستان که مورد توجه قرار گرفته است، سینمای مردم این کشور در سینمای ایران چندان خوشایند افغان‌ها نبوده است. سال ۹۴، محمد افسر ره‌بین (رایزن فرهنگی سفارت

افغانستان در تهران) نسبت به تصویر کلی مردم افغانستان در سینمای ایران اعتراض کرد و در پیامی نوشت: متعجبم که چرا کارگردانان ایران از میان این همه دانشمندان، هنرمندان، نویسندگان، مهندسان و مخترعان که در میان مهاجران افغانستان هستند، به سراغ شخصیت‌های خیالی و کذایی می‌روند؟

محمودی در اینبار توضیح می‌دهد: اگر از نگاه‌های سطحی در آثار کم‌دی صرف نظر کنیم؛ تولیدات صاحب‌فکری هم به سرانجام رسیده است. همچنین نکته‌ای قابل اهمیت وجود دارد که آن امکان ساخت آثار بهتر است. در چند سال اخیر، تلویزیون رویکرد خود را تغییر داد و سریال‌های بهتری روانه آنتن تلویزیون کرد.

وی باور دارد، نکته حائز اهمیت همگرایی، برادری و دوستی میان دو ملت است که باید در این آثار مورد توجه قرار گیرد. به گفته این کارگردان، فیلمسازان به دلایل مختلف در برخی از حوزه‌های اجتماعی کم‌کار کرده‌اند که نیاز به ریشه‌یابی دارد. شاید اولویت‌های دیگری مدنظر بوده که به این موضوع توجه نمی‌شود. کارگردانان از اتفاقاتی که بر مردم افغانستان گذشته فیلم بسازند. حوادث هفته گذشته، رویدادی برای یک یا دو روز گذشته نیست، اتفاقاتی است که ریشه در سالیان دراز دارد و اکنون خود را بروز می‌دهد.

برخی از آثار تولید سینمای جهان نیز به مسائل افغانستان توجه کرده‌اند. پس از حوادث یازدهم سپتامبر و ورود آمریکایی‌ها به افغانستان، آثاری تجاری متعددی ساخته شد. محمودی تصریح کرد: رویدادها و فستیوال‌های سینمایی به طور معمول از فیلم‌هایی که درباره افغانستان، ایران یا گویش و زبان فارسی ساخته می‌شود، استقبال می‌کنند. به طور کلی، مسائل منطقه از دیدگاه آن‌ها حائز اهمیت است.

مصائب و گرفتاری‌ها همواره سوژه‌ای جذاب برای فیلمسازان بوده است اما به زعم محمودی، اگر پیشرفت و امید به آینده در فضای افغانستان حاکم شود، این موضوعات می‌تواند در سینمای جهان مورد توجه قرار گیرد.

گزارش: علی خسروجردی